

۱۲۹۲۴۸ - ۲۰۱۲۹۴۴



دانشگاه اصفهان
دانشکده ادبیات و علوم انسانی
گروه زبان و ادبیات فارسی

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی

نقد و مقایسه شرح ابیات منطق الطیر عطار

استاد راهنما:

دکتر حسین آقا حسینی

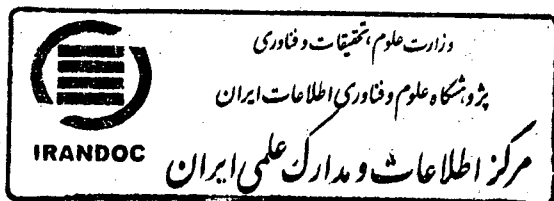
استاد مشاور:

دکتر سید علی اصغر میر باقری فرد

پژوهشگر:

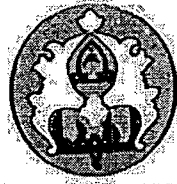
فاطمه طالبی حبیب آبادی

مهرماه ۱۳۸۸



۱۵۹۵۴۸

۱۳۹۰/۳/۲۲



دانشگاه اصفهان

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

گروه زبان و ادبیات فارسی

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی

خانم فاطمه طالبی حبیب آبادی

تحت عنوان

نقد و مقایسه شرح ابیات منطق الطیر

در تاریخ ۸۸/۷/۲۷ توسط هیات داوران بررسی و با درجه

به تصویب رسید.

۱- استاد راهنمای پایان نامه

دکتر حسین آقا حسینی

با مرتبه علمی دانشیار امضاء

۲- استاد مشاور پایان نامه

دکتر سیدعلی اصغر میرباقری فرد

با مرتبه علمی دانشیار امضاء

۳- استاد داور داخل گروه

دکتر تقی اجینه

با مرتبه علمی استادیار امضاء

۴- استاد داور خارج از گروه

دکتر حسین مسجدی

با مرتبه علمی استادیار امضاء

امضای مدیر گروه

تأمق اندیش و مق شناس شوی

کوش تا بره سپاس شوی

باسپاس فراوان محضر استادان کراتقدر

جناب آقای دکتر حسین آقا حسینی و

دکتر سید علی اصغر میرباقری فرد

که در بخت بختی دشواری های این راه

مراهمون لطف و راهنمایی های بی دریغشان

هستم. از خداوند متعال برایشان سرافرازی

و بهروزی روز افزون را خواستارم.

تقدیم به

عزیزانم، آمانی که محظات سخت زندگی به امید جایمستان سهل و آسان می نمود

و

دخترم سارا که خنده ها و گریه هایش، همواره روشنای زندگی ام بود.

چکیده

نقد و بررسی متون کهن ادب فارسی زمینه‌ساز رشد و شکوفایی اندیشه‌های ذهنی دانش‌پژوهان و ادب‌دوستان خواهد شد. برطرف کردن ابهامات و دشواری‌های متون ادبی فهم آن را آسان‌تر خواهد کرد و پژوهندگان را با متون مانوس‌تر خواهد نمود. به همین دلیل بسیاری از متون ادبی اعم از نثر یا شعر به دست صاحب‌نظران بررسی و گاهی موشکافی شده‌است اما با همه کوشش‌هایی که در این راه انجام گرفته‌است هنوز بسیاری از این ابهامات و پیچیدگی‌های متون برطرف نشده و نیازمند بحث و بررسی بیشتری است.

منطق الطیر عطار یکی از امهات متون ادب فارسی نیز بارها تصحیح، چاپ و شرح شده‌است اما به دلایل مختلف هنوز ابهاماتی در آن باقی است؛ اولاً نسخه‌های شرح شده با یکدیگر متفاوت است که به طور طبیعی اختلاف شرح را به دنبال خواهد داشت، ثانیاً گاهی با این که اختلافی در بیت‌ها دیده نمی‌شود، شرح‌ها متفاوت است. در این پژوهش این دو موضوع بررسی خواهد شد یعنی اولاً شرح‌های مختلف با هم مقایسه می‌شود سپس روشن خواهد شد که آیا این تفاوت‌ها به سبب اختلاف نُسَخ بوده‌است یا نظر شارح و سرانجام از بین آنها رساترین و مناسب‌ترین آنها را انتخاب و معرفی نماید.

شروحنی که در این رساله مورد مقایسه و نقد قرار می‌گیرد عبارتند از شروح و تصحیحات آقایان محمدرضا شفیعی کدکنی، سید صادق گوهرین، کاظم دزفولیان، رضا انزلی نژاد و سعید قره بگلو. روش کار نیز به این صورت است که ابتدا مفردات و ترکیبات و تلمیحات و جملات متن با یکدیگر مقایسه می‌شود و براساس معیارهای نقد ادبی این موارد در بوته نقد گذاشته می‌شود سپس براساس آن جملات، معانی و مفاهیم بررسی می‌گردد و از میان آنها معانی و شروح برتر انتخاب و معرفی می‌شود.

کلیدواژه‌ها

نقد ادبی، شرح، منطق الطیر، فریدالدین عطار

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
فصل اول کلیات	
۱-۱- بیان مسئله تحقیق	۱
۲-۱- اهمیت و ارزش تحقیق	۲
۳-۱- روش کار	۳
۴-۱- محاسن و معایب شروح	۴
۵-۱- ویژگی های یک شرح نسبتاً مطلوب	۶
۶-۱- درباره عطار	۶
فصل دوم: فی توحید باری تعالی جل و علا	۸
فصل سوم: در نعت رسول (ص)	۳۱
فصل چهارم: فی فضیله امیر المؤمنین ابوبکر رضی الله عنه	۴۳
فصل پنجم: فی فضیله امیر المؤمنین عمر رضی الله عنه	۴۵
فصل ششم: فی فضیله امیر المؤمنین عثمان رضی الله عنه	۴۷
فصل هفتم: فی فضیله امیر المؤمنین علی رضی الله عنه	۴۹
فصل هشتم: در تعصب گوید	۵۱
فصل نهم: آغاز کتاب	۵۷
فصل دهم: بیان وادی طلب	۱۴۵
فصل یازدهم: بیان وادی عشق	۱۴۹
فصل دوازدهم: بیان وادی معرفت	۱۵۶
فصل سیزدهم: بیان وادی استغنا	۱۶۴
فصل چهاردهم: بیان وادی توحید	۱۷۰
فصل پانزدهم: بیان وادی حیرت	۱۷۸
فصل شانزدهم: بیان وادی فقر	۱۸۰

صفحه

عنوان

۱۸۶ فصل هفدهم: سی مرغ در پیشگاه سیمرغ
۱۹۶ فصل هجدهم: فی وصف حاله
۲۰۲ منابع و مأخذ

پیشگفتار

از مکتب تصوف اسلامی که مسلماً ایرانیان در پایه گذاری و بنیان آن سهمی به سزا داشته اند، نوابغی برخاسته اند که در پیشرفت افکار بشر در این زمینه کمک های شایانی نموده اند و شیخ فرید الدین محمد عطار نیشابوری یکی از آن جمله نوابغ است که در این راه گام های بلندی را برداشته است. با این حال در میان بزرگان شعر عرفانی فارسی، زندگی هیچ شاعری به اندازه او در ابر ابهام نهفته نمانده است. اطلاعات ما در باب مولانا بسیار افزون بر چیزی است که در باب عطار می دانیم. حتی آگاهی ما درباره سنایی که یک قرن قبل از عطار می زیسته، بسی بیشتر از آن چیزی است که در باب عطار می دانیم. نه سال تولد او به درستی روشن است و نه حتی سال وفات او. این قدر می دانیم که او در نیمه دوم قرن ششم و ربع اول قرن هفتم می زیسته، اهل نیشابور بوده است و چند کتاب منظوم و یک کتاب به نثر از او باقی است، نه استادان او، نه معاصرانش و نه سلسله مشایخ او در تصوف، هیچکدام به قطع روشن نیست. در باب زندگی او هر چه گفته شده، غالباً احتمالات و افسانه ها بوده است و شاید همین پوشیده ماندن در ابر ابهام، شخصیت او را به نوعی افسانه گون جلوه گر ساخته است.

آنچه از اسناد قابل اعتمادتر می توان فهمید این است که نامش «محمد» و تخلصش «عطار» و «فرید» است. مورخین و تذکره نویسان کهن، عطار را اهل «کدکن» نوشته اند، در همین ده زیارتگاهی است به نام «پیر زرروند» که بنا بر اعتقادات کهن باقی مانده در نزد اهالی، مزار پدر عطار است و به نام «مزار شیخ ابراهیم» مورد تقدیس و احترام اهالی است.

مشهورترین اثر این شاعر منطق الطیر است که یکی از برجسته ترین آثار عرفانی در ادبیات جهان به شمار می رود و توصیفی است از سفر مرغان به سوی سیمرغ و ماجراهایی که در این راه بر ایشان گذشته است. در این منظومه لطیف ترین بیان ممکن از رابطه حق و خلق و دشواری های راه سلوک عرضه شده است. این اثر در بحر رمل مسدس مقصور سروده شده و تاریخ دقیق پایان آن مشخص نمی باشد.

زندگانی عطار قرین با حملات پی در پی غزان و مغولان و قحطی های متوالی و مهلک بوده است که همگی در اندیشه و ذهن حساس شیخ تأثیر نهاده اند و البته آن گونه که آورده اند در همین حوادث و حملات مغولان بوده که سرانجام شیخ فرید الدین عطار نیشابوری در سال ۶۱۸ هجری قمری کشته یا شهید شده است.

فصل اول

کلیات

۱-۱- بیان مسأله تحقیق

آنچه عطار را از سایر شاعران پارسی‌گوی متمایز می‌کند این است که او شاعر سفرهای روحانی است. منطق الطیر او که به ظاهر سخن از پرواز مرغان به سوی سیمرغ دارد، رمزی است از سلوک عارفان و سیر معنوی ایشان در طریق معرفت. اما نکته خاص و روشنی که در باب اشعار او قابل توجه است، برکنار ماندن وی از سیر تکامل ساخت و صورت شعر فارسی است. در این سیر تاریخی که از ابو حفص سغدی آغاز شده و در حافظ به اوج کمال خود می‌رسد، شاعران در هر قرن و حتی هر نسل در رعایت اصول و قواعد عروض و قافیه و بسیاری مبانی هنر شعر گام به گام دقیق‌تر می‌شوند، اما عطار نه تنها در برخی موارد از این اصول عدول کرده بلکه شعر او به دلیل به کارگیری بعضی از واژه‌های مربوط به گویش منطقه خود صورت خاصی به خود گرفته است. به همین دلیل آثار او، بیش از هر شاعر دیگری در معرض تغییرات کاتبان و نسخه برداران قرار گرفته است تا

مشمول عمومیت آن قواعد شود و او نیز در این زنجیره تکاملی در جایگاه طبیعی و تاریخی خود قرار گیرد. (شفیعی

از این میان ما چهار شرح کامل را از استادان ارجمند سید صادق گوهرین، محمدرضا شفیعی کدکنی، رضا انزایی نژاد و کاظم دزفولیان و دو گزیده را از رضا اشرف زاده و سیروس شمیسا برگزیدیم. با توجه به این که از این شروح به عنوان کتب درسی دانشگاه ها استفاده می شود، تکمیل کاستی ها و تصحیح اشتباهات راه یافته در آن ها ضروری به نظر می رسد.

نگارنده در این راستا در نظر دارد در گام نخست، برخی از ویژگی ها و خصوصیات یک شرح نسبتاً مطلوب را در متون ادبی مختلف بیابد و سپس در گام بعدی بر طبق معیارها و الگوهای داده شده به تصحیح اشکالات این شروح بپردازد و با مطالعه سایر شروح و بهره بردن از دیدگاه های استادان محترم راهنما و مشاور و استمداد از ادراکات شخصی و سرانجام اعمال دیدگاه های داوران محترم، خوانندگان را در فهم صحیح و کامل متن یاری نموده و تا حد امکان از درک اشتباه مفاهیم برحذر دارد، اما اذعان دارم که ممکن است در این راه از سوی نگارنده نیز قصور یا کوتاهی هایی رخ داده باشد و چه بسا مواردی را که بر آن انگشت انتقاد نهاده ام، نادرست نبوده و فهم قاصد من از درک مقصود شارحان بازمانده آن را سهو و لغزش آنان دانسته باشم.

۱-۲- اهمیت و ارزش تحقیق

بدیهی است نقد و بررسی کتاب های هر سرزمینی باعث ترقی دانش و تعالی دانش پژوهان آن و روشن شدن هر چه بیشتر مبهمات و پیچیدگی های یک متن می گردد. نقد یک اثر نه تنها به متن لطمه ای نمی زند بلکه باعث زنده شدن آن می شود و زیبایی های نهفته و پنهان یک متن را بیش از پیش نمایان می کند. این نقد اگر با روشنگری همراه بوده و از غرض ورزی به دور باشد بهترین راه برای تشخیص درست از نادرست است. از آن جا که مثنوی منطق الطیر عطار از کتاب های مهم ادب فارسی و مورد استفاده دانشجویان این رشته است، توجه به شروح آن لازم می نماید. علاوه بر این با نظر به تعدد اختلافات و کاستی هایی که در شروح مذکور وجود دارد و اغلاطی که در شرح بعضی از ابیات دیده می شود، دقتی دوباره در آن ها نیز ضروری می نماید. امید است با اهتمام بر انجام چنین تحقیقاتی زمینه های اصول نقد درست و در نتیجه رشد ادب فارسی فراهم گردد.

۱-۳- روش کار

در رساله حاضر، نویسنده این سطور با اذعان به مراتب دانش استادان گرانقدر و امتنان از آن بزرگواران به جهت خوشه چینی از خرمن فضل ایشان، کوشیده است آنچه در حواشی نامبرده مبهم و سهواً آمیز پنداشته به معرض بحث و نقد آورد. بدین منظور در ابتدای کار به مطالعه شروح مورد نظر (گوهرین، شفیعی کدکنی، انزابی نژاد، دزفولیان، اشرف زاده، شمیسا) پرداخته شد و ابیاتی که به هر نحو با یکدیگر اختلاف داشت یا اینکه به هر دلیلی مضمون اصلی بیت یا لغتی ذیل بیت درست معنا نشده بود فیش برداری شد. از آن جا که بعضی از اختلافات یافت شده ناشی از اختلاف در نسخه بدل‌هاست، هم زمان با این کار با اصل قرار دادن نسخه گوهرین، اختلاف نسخه‌های این چند شرح نیز جمع آوری گردید و پس از آن مقالات و کتاب‌هایی که به شکلی با موضوع این رساله در ارتباط بوده و می‌توانست گرهی را از مشکل بیتی باز کند مطالعه شد. در پایان، ابیاتی که شارحان نظرات متفاوتی را در توضیح آن ارائه کرده بودند یا ابیاتی که نیاز به شرح و توضیح بیشتری داشت، هم از لحاظ اختلاف معنی و هم اختلاف نسخه نوشته شد، به این ترتیب که ابتدا ذیل هر بیت نظرات شارحان را به طور کامل آورده و اگر در آن سهوی صورت گرفته نقد شده است و هرگاه از میان معانی ذکر شده یکی از همه بهتر و قابل قبول تر می‌نمود همان را ترجیح داده است. اما اگر هیچ یک راهگشا نبود با کمک گرفتن از نظرات استادان راهنما و مشاور و مطالعه دیگر منابع موجود سعی شد معنی درستی ذیل بیت ارائه گردد.

در این رساله برای سهولت در کار و اجتناب از تکرار الفاظ برای هریک از شارحان از علامت اختصاری به

شرح ذیل استفاده شد:

شادروان دکتر سید صادق گوهرین: «هر»

دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی: «شف»

دکتر رضا انزابی نژاد و سعید قره بگلو: «نز»

دکتر کاظم دزفولیان: «دز»

دکتر رضا اشرف زاده: «اش»

دکتر سیروس شمیسا: «سا»

نشانی هر بیت نیز در بالای آن به ترتیب با ذکر شماره صفحه و بیت آمده است. در قسمت اختلاف نسخه ها هم مشخص شده است که موارد اختلافی دقیقاً معادل چه واژه هایی از نسخه دکتر گوهرین آمده است.

۱-۴- محاسن و معایب شروح

عطار نیشابوری از بزرگترین شعرای فارسی و از ارکان استوار شعر و ادب ماست. به منظور دقت بیشتر در اشعار این سراینده گرانقدر و در نتیجه، شناخت هر چه بهتر این شاعر، در طول سالیان بسیار تصحیح های فراوانی از منطق الطیر وی ارائه شده است. این اثر در بحر رمل مسدس مقصور سروده شده است و تعداد ابیات آن را از ۴۳۰۰ تا ۴۶۰۰ نقل کرده اند.

ظاهراً اولین نسخه چاپی این کتاب در سال ۱۸۵۷م توسط مستشرق معروف فرانسوی به نام گارسن دوتاسی در پاریس به چاپ رسیده است. در ایران نیز اولین بار نسخه منطق الطیر در سال ۱۳۱۹ق توسط میرزا حسین خان ذکاء الملک متخلص به فروغی به طبع رسیده است.

لازم به ذکر است که اگرچه در نیم قرن اخیر کوشش برای تصحیح انتقادی این شاهکار بی همتای ادبیات عرفانی ایران، هر روز بیشتر و بیشتر شده و نام بردن از تمام این چاپ ها نیز خارج از بحث ماست، ولی ناگفته پیداست که در این میان، متداول ترین چاپی که سیمای طبع انتقادی دارد، همان چاپی است که شادروان سید صادق گوهرین فراهم آورده و نخستین نشر آن در سال ۱۳۴۲ به وسیله بنگاه ترجمه و نشر کتاب بوده است. غالب کسانی که در این مدت در کار تدریس و تحقیق و یا در راه نشر این اثر بوده اند از آن چاپ غفلت نورزیده اند ولی همگان اعتراف دارند که در بخش هایی از آن کتاب اغلاطی راه یافته است. در کنار آن چاپ البته چاپ های دیگری نیز رایج بوده که بدون تردید کم غلط تر از چاپ دکتر گوهرین است، اما این عقیده که بهترین و اصیل ترین چاپ ها باز همان چاپ گوهرین است، قولی است که جملگی بر آنند. در توضیح این مطلب که چرا این چاپ با وجود برخی اغلاط هنوز هم بهترین چاپ است باید گفت که چاپ هایی که نسبت به چاپ گوهرین کم غلط تر به نظر می رسند آنهایی هستند که کاتبان یا مصححان آنها کوشیده اند به میل و سلیقه خود اصالت سخن عطار را قربانی فهم و تشخیص خود کنند و عبارت را به گونه ای در آورند که از لحاظ عروض و قافیه و دستور زبان به سلیقه خواننده معاصر- ایرادی نداشته باشد، ولی هرگز به این نیندیشیده اند که آیا این بیت «بی غلط» ارتباطی هم با عطار و جهان اندیشه و سبک او دارد یا نه؟ آنها فقط خواسته اند وزن و قافیه بیت، در حدود تشخیص ایشان و معاصرانشان، ایرادی نداشته باشد. آنچه در

این چاپ‌های به ظاهر بی‌غلط یکسره غایب است، همانا، مسئله اصالت اندیشه و رعایت تاریخ زبان و سبک شخصی مؤلف است. نکته دیگر در باب چاپ دکتر گوهرین این است که، تمامی نسخه بدل‌ها ذیل هر صفحه ذکر شده ولی همه ابیات شرح نشده است، آنچه هم که در پایان کتاب و در بخش توضیحات بیان شده شرح و توضیح بعضی از اعلام و یا اشاره به آیات و احادیث مربوط به ابیات است، البته واژه نامه‌ای نیز در پایان کتاب آمده که خواننده را در دریافت مفهوم برخی واژه‌ها یاری می‌دهد. (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۶: ۹)

یکی دیگر از کسانی که کوشید تا از میان ده‌ها نسخه خطی تصحیح جدیدی را از منطق الطیر ارائه دهد دکتر شفیع کدکنی است. آنچه این چاپ را بر سایر چاپ‌های منطق الطیر برتری داده است این است که ایشان علاوه بر بهره‌وری از بسیاری نسخه‌های کهن و شناخته شده در جهان، سعی کرده است میان دو کفه ترازوی صحت و اصالت که در نهایت یک چیز است، اعتدالی برقرار کند و تا آنجا که مقدور بوده است، صورت درست گفتار عطار را از میان انبوه ضبط‌های مختلف، با روش علمی و اصول سبک‌شناسی و نقد متون آشکار کند و از آنجا که زادگاه وی با عطار مشترک است، به سبب آشنایی با گویش این شاعر تا حدود زیادی هم موفق بوده است. دکتر شفیع کدکنی در مقدمه و تعلیقاتی که از منطق الطیر ارائه کرده کوشیده است که خواننده را در جریان تمام مشکلات و اشارات و نکات مورد نظر عطار قرار دهد و در شرح و توضیح ابیات سعی کرده است که ارجاعات به منابع کهن و سایر آثار عطار همچون تذکرة الاولیاء، الاهی‌نامه، مصیبت‌نامه، اسرارنامه، مختارنامه و دیوان عطار باشد. البته حجم تفسیرها و توضیحات متفاوت است ولی کوشش شده که از حشو و حاشیه چشم‌پوشی شود.

شروع دیگری که از منطق الطیر ارائه شده شرح دکتر انزابی نژاد به همراهی دکتر سعید قره‌بگلو و دکتر دزفولیان است. شرح دکتر انزابی نژاد برتری‌هایی نسبت به شرح دکتر دزفولیان دارد، از جمله:

- ۱- فهرست لغات و ترکیباتی که در پایان این کتاب آمده است.
- ۲- استناد به سایر آثار عطار و استفاده از ابیات آن به عنوان شاهد.
- ۳- اظهار نظرهایی همراه با مأخذ موثق.
- ۴- بهره‌گیری بیشتر از آیات و احادیث به عنوان شاهد.

۱-۵- برخی از ویژگی های یک شرح مطلوب

- پس از مقایسه اجمالی این چند شرح از منطق الطیر، سعی بر آن داریم تا برخی از ویژگی های یک شرح خوب و نسبتاً کامل را ارائه داده و راه را برای شروع کامل تر هموار سازیم:
- ۱- سعی در درست خواندن متن و نوع تکیه و آهنگ کلام که شاید اولین قدم برای فهم درست یک بیت است.
 - ۲- رعایت اختصار و پرهیز از حشو در جایی که توضیح زیادی نیاز نیست.
 - ۳- توجه به معانی مختلف واژه ها، تشخیص درست معانی کنایی و فهم درست معانی حروف مختلف با استفاده از فرهنگ ها و اظهار نظرهای همراه با مأخذ موثق نه استدلال‌هایی برخاسته از ادراکات شخصی که همراه با حدس و گمان باشد.
 - ۴- توجه به آداب و رسوم محیط و زمان شاعر و استفاده از سایر آثار وی در شرح و توضیح ابیات.
 - ۵- توجه به تحریف های احتمالی که در نسخ مختلف ایجاد شده است.
 - ۶- توجه به قرینه‌های موجود در ابیات قبل و بعد در شرح یک بیت؛ چه بسا ابیاتی که بسیار مبهم می نماید اما با کمک گرفتن از قرینه‌ها به راحتی می توان آن را شرح کرد.
 - ۷- لزوم توجه به معانی یک کلمه در عصر شاعر و تغییر معانی آن نسبت به زمان های مختلف به طوری که شرح بیت با معنای جدید آن کلمه مفهوم نخواهد بود.

۱-۶- درباره عطار نیشابوری

در میان بزرگان شعر عرفانی فارسی، زندگی هیچ شاعری به اندازه زندگی عطار در ابر ابهام نهفته نمانده است. اطلاعات ما در باب مولانا صد برابر چیزی است که در باب عطار می دانیم. حتی آگاهی ما درباره سنایی که یک قرن قبل از عطار می زیسته بسی بیشتر از آن چیزی است که در باب عطار می دانیم. نه سال تولد او به درستی روشن است و نه حتی سال وفات او. این قدر می دانیم که او در نیمه دوم قرن ششم و ربع اول قرن هفتم می زیسته، اهل نیشابور بوده و چند کتاب منظوم و یک کتاب به نثر از او باقی است. نه استادان او، نه معاصرانش و نه سلسله مشایخ او در تصوف، هیچ کدام به قطع روشن نیست. در باب زندگی او هر چه گفته شده، غالباً احتمالات و افسانه‌ها بوده است و شاید همین پوشیده ماندن در ابر ابهام، شخصیت او را به نوعی «افسانه گون» جلوه گر ساخته است.

آن چه که از اسناد قابل اعتماد تر می توان فهمید این است که نامش «محمد» و تخلصش «عطار» و «فرید» است. مورخین و تذکره نویسان کهن، عطار را اهل «کدکن» نوشته اند، در همین ده زیارتگاهی است به نام «پیرزروند» که بنابر اعتقادات کهن باقی مانده در نزد اهالی، مزار پدر عطار است و به نام «مزار شیخ ابراهیم» مورد احترام و تقدیس اهالی است.

زندگانی عطار قرین با حملات پی در پی غزان و مغولان و قحطی های متوالی و مهلک بوده است که همگی در اندیشه و ذهن حساس شیخ تأثیر نهاده است. البته آن گونه که آورده اند در همین حوادث و حملات مغولان بوده که سرانجام شیخ فریدالدین عطار نیشابوری در سال ۶۱۸ ه ق کشته یا شهید شده است.

فصل دوم

فی توحید باریتعالی

ش: ص ۲۱ ب ۷ دز: ص ۳۹ ب ۷ شف: ص ۷۹ ب ۸ نز: ص ۱۵ ب ۷
۷) مهره انجم زرین حقه ساخت با فلک در حقه هر شب مهره باخت

شرح:

اش: حقه در مصراع دوم کنایه از آسمان و فلک است و ماحصل این که، خداوند مهره ستارگان را از حقه زرین خورشید نور بخشید و با فلک هر شب در حقه آسمان این مهره ها را به حرکت و بازی واداشت، گاه آنها را پیدا و گاه پنهان کرد.

دز: حقه زرین: استعاره از خورشید

□ نقد: در کتاب "التفهیم لاوائل صناعة التنجیم" آمده است: «میان مردم نگریستن و پاسیدن این معنی ها را خلاف است در روشنائی ستارگان که ایشان را روشنائی از خویشتن است چون آفتاب را، یا از آفتاب بر ایشان همی افتد، همچنانک بر قمر. گروهی گفتند که روشنائی نیست مگر آفتاب را. و همه ستارگان روشن نه اند و لکن شعاع او برایشان بتابد. و قیاس از آن گرفتند که حرکت ایشان به حرکت آفتاب بسته است، و نور یکی از ایشان بدو بسته است به معاینه. پس نور ایشان نیز بدو بسته باشد. و گروهی گفتند که ستارگان همه روشن اند مگر ماه، که این بستگی و بی-

نوری او را خاص است و پس. این سخن به صواب نزدیک تر است نزدیک ما، هر چند که اندر او چندان یقین نیست که خلاف را بردارد». (بیرونی، ۱۳۶۲: ۸۵)

به این ترتیب می توان عطار را پیرو نظریه کسانی دانست که نور ستارگان و حرکت آن‌ها را وابسته به آفتاب می‌داند پس با توجه به این مطلب شرح بیت چنین خواهد بود: «خداوند توسط حقه زرین خورشید به ستارگان نور بخشید و هر شب ستارگان را که مثل مهره هائی در دل خورشید پنهان شده بودند و در طول روز نوری از خود نداشتند بیرون می ریخت و مثل کسی که به بازی نرد مشغول است با فلک مهره بازی می کرد. به این ترتیب حقه زرین در مصراع اول و حقه در مصراع دوم هر دو اشاره به یک چیز یعنی خورشید دارند.

* * *

اش: ص ۲۱ ب ۸ دز: ص ۳۹ ب ۸ شف: ص ۷۹ ب ۸ نز: ص ۱۵ ب ۸
 ۸) دام تن را مختلف احوال کرد مرغ جان را خاک در دنبال کرد

اختلاف نسخ:

دز: در / بر

اش: خاک در دنبال کردن: عملی بوده است که مرغی را که می خواستند قدرت پرواز را از او بگیرند مقداری گل روی دم او می ریختند... در این بیت، جان و روح به مرغی مانند شده است که به وسیله خاک تن قدرت پرواز از او گرفته شده است.

دز: مصراع دوم را اینگونه شرح کرده است: جان آدمی را وابسته به تن کرد.

شف: خاک در دنبال کرد: یعنی به خاک تعلق بخشید. خاک در دنبال کردن معانی دیگری هم دارد که مناسب اینجا نیست.

□ نقد: فرهنگ نوادر این اصطلاح را این طور توضیح داده است: ظاهراً عملی بوده است برای نگهداری پرنده،

مثل گل به دم پرنده زدن تا به واسطه سنگینی نتواند پرواز کند. کنایه از پابست کردن است:

هاتفی آواز داد از گوشه‌ای
کای زدست رفته مرغی معتبر
خاک بر دنبال او بایست کرد
تا نرفتی او ازین گلخن بدر
(عطار، ۱۳۵۶: ۳۷۸)

(اشرف زاده: ذیل خاک در دنبال کردن)

با توجه به این که این اصطلاح در فرهنگ‌ها یافت نشد می‌توان با پذیرفتن نظر اشرف زاده و با عنایت به شاهدی که آورده این بیت را به همین صورت معنا کرد. ضمناً شرح «شف» اگر معانی دیگر این ترکیب را نیز توضیح می‌داد مناسب‌تر بود.

* * *

شف: ص ۷۹ ب ۱۱

اش: ص ۲۱ ب ۱۱

این همه کار از کفی خاک او نمود

۱۱) روح را در صورت پاک او نمود

شرح:

اش: کفی خاک: کنایه از وجود آدمی و مقصود از خاک وجود انسان است. - مجاز به علاقه ما کان - برگرفته از آیه شریفه: «وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ طِينٍ» مومنون (۲۳) آیه ۱۲. نیز انعام (۶)، آیه ۲. سجده (۳۲)، آیه ۷. ص (۳۸). آیه ۷

شف: روح را در صورت پاک: روح در اینجا به معنی جبرئیل است و صورت پاک اشاره است به مجسم شدن جبرئیل بر مریم به صورت انسانی به اندام که در قرآن آمده است «فَارْسَلْنَا إِلَيْهَا رُوحَنَا فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا سَوِيًّا» ۱۷/۱۹ (پس فرو فرستادیم برو (= مریم) روح خویش را تا بر گونه آدمیزادی به اندام در برابر او مجسم شد) (آفرینش و تاریخ، ۳۳۵/۱)

□ **نقد:** این بیت در ادامه ابیات مربوط به آفرینش پدیده‌های هستی آمده است:

سنگ را یاقوت و خون را مشک کرد

بحر را از تشنگی لب خشک کرد

این همه کار از کفی خاک او نمود

روح را در صورت پاک او نمود

تن به جان و جان به ایمان زنده کرد

عقل سرکش را به شرع افکنده کرد

پس به آفرینش انسان اشاره دارد، همانطور که مرصادالعباد در آفرینش انسان به ترکیب «یک مشت خاک» اشاره می‌کند که می‌تواند معادل «کفی خاک» باشد: «... پس جبرئیل را بفرمود که برو از روی زمین یک مشت خاک بردار و بیاور. جبرئیل علیه‌السلام برفت، خواست که یک مشت خاک بردارد. خاک گفت: ای جبرئیل چه می‌کنی؟ گفت: ترا به حضرت می‌برم که از تو خلیفتی می‌آفریند...» (نجم دایه، ۱۳۶۵: ۶۸)، مصراع اول این بیت به آیه "فَاِذَا سُوِّتَهُ وَنَفَخْتُ فِيْهِ مِنْ رُوْحِيْ فَقَعُوْا لَهٗ سَاجِدِيْنَ (۱۵: ۲۹) و (۳۸: ۷۲) اشاره می‌کند، صورت پاک نیز در همین مصراع اشاره به همان خاک پاکی دارد که خداوند به دست خویش سرشت: «خَمَّرْتُ طِيْنَةَ اٰدَمَ بِيْدِيْ اَرْبَعِيْنَ صَبَاحًا» (همان: ۳۸) این بیت با بیتی از مصیبت نامه نیز قرابت معنایی دارد:

هم ز خون منعقد دل می‌کند هم خلیفه از کفی گل می‌کند

(عطار، ۱۳۸۶: ۱۲۱)

با این توضیحات شرح «اش» پذیرفتنی است.

* * *

اش: ص ۲۱ ب ۱۷ دز: ص ۳۹ ب ۱۵ سا: ص ۳۹ ب ۶ شف: ص ۷۹ ب ۱۷ نز: ص ۱۲ ب ۱۵

۱۷) بست موری را کمر چون موی سر کرد او را با سلیمان در کمر

شرح:

اش: چون موی سر: باریک

دز: خداوند متعال، موری ضعیف و موری را که کمرش به اندازه یک موی سر انسان است آن قدر درجه و مقام داد که حضرت سلیمان با آن همه شکوه و جلال و بزرگواری، هم کمر و هم صحبت او شد.

سا: این کتاب در ذیل افزوده‌ها، ص ۴۱، به صورت مبسوط به این بیت پرداخته و آن را اینگونه شرح کرده است: «را» فک اضافه است: کمر مور را. بستن به معنی آفریدن است. قدما معمولاً در این معنی «میان» می‌گفتند و کمر را به معنی کمر بند می‌آوردند، این که عطار «کمر» گفته است به دو دلیل است، اولاً به سبب مصراع دوم و ثانیاً به